

فراخوان ششمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی

تقدیر از ترجمه

شرق؛ جد از نقش بی‌بدیل ابوالحسن نجفی، ادیب و مترجم فقید، در زمینه عروض و اعتلای زبان فارسی، او در شناخت ما از ادبیات پشرو و مدرن فرانسه نیز سهم بسزایی دارد. ازاین‌روست که بعد از درگذشت او دوستان و همکاران و هم‌فکرانش دور هم جمع شدند و برای ادامه راه او در ترجمه و به پاسداشت سال‌ها کار بی‌وقفه و باکیفیت در حوزه ترجمه ادبیات فرانسه، جایزه‌ای تأسیس کردند که هر سال به بهترین ترجمه تعلق می‌گیرد. امسال ششمین دوره جایزه و نشان ابوالحسن نجفی به منظور پاسداشت یاد این مترجم و ادیب در عرصه ترجمه و تشویق مترجمان در اعتلای زبان فارسی، توسط مرکز فرهنگی شهر کتاب در بهمن‌ماه امسال برگزار می‌شود و در این مراسم از بهترین ترجمه رمان و مجموعه‌داستان کوتاهی که سال ۱۴۰۰ منتشر شده، با اهدای جایزه و نشان ابوالحسن نجفی تقدیر خواهد شد. هیئت داوران ششمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی با دبیری علی‌اصغر محمدخانی، عبارت‌اند از: مهستی بحرینی، ضیاء موحّد، حسین معصومی‌همدانی، عبدالله کوثری، موسی اسوار، امید طبیب‌زاده و آبتین گلکار. در دوره‌های پیش، آبتین گلکار

با ترجمه رمان «آشیانه اشراف» اثر ایوان تورگنیف، محمد همتی با ترجمه رمان «مارش رادتسکی» اثر یوزف روت، زینب یونسی با ترجمه رمان «زلیخا چشم‌هایش را بساز می‌کند» اثر گوزل باخینا، محمدرضا ترک‌تاری با ترجمه «استاد پترزبورگ» نوشته جی. ام کوسسی، احمد پرهیزی با ترجمه رمان «ه ه ح ه» نوشته لوران بینه و فرزانه دوستی با ترجمه رمان «بیداری» نوشته کیت شوپن برگزیدگان پنج دوره گذشته این جایزه بوده‌اند. مترجمان و ناشران علاقه‌مند به شرکت در این جایزه می‌توانند دو نسخه از کتاب خود را تا پایان شهریور ۱۴۰۱ به دبیرخانه جایزه به نشانی تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم، پلاک ۸، کدپستی ۱۵۱۳۶۴۸۳۱۳، مرکز فرهنگی شهر کتاب ارسال کنند.

اما گستره کار ابوالحسن نجفی در عرصه فرهنگ از ترجمه فراتر می‌رود، او در حوزه زبان‌شناسی و وزن شعر و فرهنگ‌نویسی و زبان عامیانه پژوهش‌های درخوری دارد که با ترجمه‌های او نیز بی‌نسبت نبوده و به‌گواه متخصصان و اهل فن، همین تسلط بر زبان فارسی و ظرایف و امکانات این زبان بود که ترجمه‌های او را از یک

گپ‌وگفتی با بهروز شعبیی به بهانه اکران فیلم «بدون قرار قبلی»

سینما بدون تنوع می‌میرد

دوست دارم فیلم «سه قاپ» را بازسازی کنم



روی فیلم‌نامه کار می‌کردیم، از ذهنمان می‌گذشت که اگر بخوایم قصه را با شکلی جدید تعریف کنیم، آیا باید همان کلیشه‌ها و روند را تکرار کنیم یا خیر؟ یا می‌توانیم به شکل دیگری قصه را تعریف کنیم؟ طوری که این قصه شبیه فرمول‌های معمول نباشد. واقعیت این است که برای خود من این نوع گویش در لحن قصه‌گویی در فیلم «بدون قرار قبلی» جذاب بود. حتی اینکه به قول شما توقعات ما را خیلی پر آورده نکند. مثلا اگر قرار است تحولی ببینیم حتما این تحول بیرونی باشد یا اگر قرار است اتفاقی را مرور کنیم، نمود بیرونی داشته باشد. سعی کردیم اساسا به لحن متفاوتی برسیم.

♦ **شاید به این دلیل که قصه تا حدی برای مخاطب آشنا و پیش‌بینی‌پذیر است، تلاش برای رسیدن به لحنی متفاوت هم چندان تأثیری در مخاطب اثر ندارد.**

در مورد هیچ اثری نمایشی نمی‌توان گفت آیا این کامل‌ترین اثر است یا خیر؟ یا اینکه همه‌چیز در آن به بهترین شکل ممکن اتفاق افتاده یا خیر؟ به نظر از وقتی که کاری ساخته می‌شود، دیگر رویکرد هر بیننده و مخاطب به آن متفاوت است و به شیوه‌های مختلفی با آن ارتباط برقرار می‌کند. به همین دلیل است که ما از فیلمی لذت می‌بریم و دیگری چنین نظری ندارد. دلپیش این نیست که دو فیلم مختلف می‌بینیم، دلپیش این است که دو ارتباط متفاوت را با اثری نمایشی یا خلق شده برقرار می‌کنیم. اگر از من بپرسید پاسخ خواهد داد تا ابد وقت دارید روی اثر کار کنید و مدام آن را تصحیح کنید. بالاخره هر اثر اشکالات خاص خودش را دارد. چیزی که برای من مهم است تنها مراحلی است که برای رسیدن به این نتیجه اتفاق افتاده. به‌رحال این فیلم با انتخابی که در مرحله متن و فیلم‌برداری در بخش‌های مختلف داشته، تلاش شده تا به یک حال‌وهوایی برسد که اگر این حال‌وهوا در ذهن بیننده درست شکل گرفته و آن را دوست داشته باشد، این فیلم با مخاطب ارتباط برقرار کرده است. اگر هم این حال‌وهوا شکل نگرفته باشد، قطعا می‌توانستیم در بخش‌هایی بیشتر و بهتر کار کنیم.

برگردان صرف فراتر برد و او را به یکی از شاخص‌ترین مترجمان معاصر بدل کرد که متر و معیاری برای ترجمه به دست می‌داد. وسواس، دقت و کوشش نجفی زبانزد خاص و عام بود گرچه او با انزوای خود‌خواسته و پشتکاری بی‌بدیل چندان ارتباط با عموم نداشت و البته این دقت و وسواس و سختگیری از آثار او به‌خوبی پیداست. حساسیت ابوالحسن نجفی درمورد درست‌نویسی فارسی به حدی بود که او را به تحقیقاتی گشساند که سالیان متمادی ادامه داشت و نتیجه آن، کتاب مرجع «غلط‌نویسیم» است که به قصد صیانت از زبان و ادبیات فارسی نوشته شد و اینک پس از چندین دهه از انتشارش، همچنان از مطرح‌ترین آثار نجفی و شاخصه وجهی از شخصیت فکری و فرهنگی اوست که به زبان‌شناسی روی دارد. جایگاه ابوالحسن نجفی در فرهنگ ما و فعالیت‌های فرهنگی او هم‌زمان با ترجمه و پژوهش‌های زبان‌شناختی پیوند خورده و به گفته صالح حسینی، مترجم و استاد دانشگاه، عشق او به زبان فارسی و در حرست آن به جان کوشیدن، بر کسی پوشیده نیست: «استاد ابوالحسن نجفی در تکمیل تحقیق خویش، مدتی بعد به تألیف

♦ **«بدون قرار قبلی» کارگردانی حساب‌شده‌ای دارد. با استاد به سایر کارهای شما، تا به امروز کارنامه کارگردانی متنوعی است و در اثر اخیرتان این بلوغ در کارگردانی هم دیده می‌شود. با همه اینها این انتقاد هم به فیلم «بدون قرار قبلی» وارد است که کارگردانی جلوتر از فیلم‌نامه حرکت می‌کند. تا چه حد این تقدرا می‌پذیرید؟**

اصولا برای من همیشه کارگردانی در ادامه متن است و فکر می‌کنم که هر آن چیزی که در ساختار تصویری شکل می‌گیرد، حتما نیاز است که پایه و بن‌مایه‌اش در متن و کلماتی که نوشته می‌شود، گذاشته شود. به همین دلیل شاید تا به امروز اسمم به عنوان فیلم‌نامه‌نویس در تیتراژ فیلم‌هایم نبوده، ولی حتما و همیشه در روند تولید متن در کنار نویسنده بوده‌ام و در آن مرحله است که برای من فیلم شکل می‌گیرد. اتفاقی که در فیلم «بدون قرار قبلی» رخ داد، حاصل همین گفت‌وگوهای طولانی بود که با دوستان نویسنده انجام دادیم. مرحله بعد از آن قطعا حاصل زحمات گروه تولید است که در نهایت به چیزی که می‌بینید تبدیل شده. فکر می‌کنم اگر کارگردان آورده و لایه‌ای به فیلم‌نامه اضافه نکند، حضورش صرفا صنعتی است و در حد یک اپراتور باقی می‌ماند. این یکی از وظایف کارگردان است که حداقل باید لایه‌ای به نگاه و جهان فیلم اضافه کند، سعی من این بوده که همیشه در مرحله تولید متن همراه باشم. نمی‌دانم چقدر موفق بوده‌ام. اما همیشه کنار نویسنده هستم. وقتی به مرحله فیلم‌برداری می‌رسیم دیگر از ایده‌های اولیه باید گذر کرده و به مرحله بالاتری رسیدیم باشم و جدی‌تر فکر کنیم. لطفی که شما دارید و به آن اشاره کردید، برای خود من صرفا کار معمول یک کارگردان است که باید برای یک فیلم انجام بدهد. به این معنی که حتما باید متن را در مرحله رساندن به تصویر یا نمایش واکاوی و به متن چیزی اضافه کند. چراکه معتقدم نویسنده و کارگردان افرادی هستند که کاری را در ادامه هم انجام می‌دهند، نه کاری در کنار هم. ♦ **فیلم در اوج دوران کرونا ساخته شد و طبیعی است که بعد از تعطیلی طولانی‌مدت سینماها، برخی فیلم‌ها از جمله «بدون قرار قبلی» با تأخیر اکران شوند. اما از ابتدای اکران تا به امروز بازخوردهای متفاوتی دیدید. شما در این فیلم تنها از قصه «بهترین شکل ممکن» مصطفی مستور الهام گرفته‌اید و به سراغ اقتباس از اثر او نرفته‌اید، برای من جالب است که نگاه شما را به عنوان کارگردان و فردی که از تأثیرگذاری زیاد قصه و توجه به فیلم‌نامه صحبت می‌کند، درمورد اقتباس از ادبیات داستانی بدانم. اصلا مایل هستید زمانی به سراغ اقتباس در آثارتان بروید؟**

اقتباس یک ویژگی دارد و آن این است که انکار از مرحله اولیه برای یک اثر مکتوب دراماتیک گذر می‌کنیم و به جایگاه بهتری می‌رسیم. به این معنی که یک نفر تخیلی را شکل می‌دهد و آن تخیل را نظام‌مند می‌کند و به شکل نوشتاری یا حتی تصویری درمی‌آورد. چراکه معتقدم یکی از اقتباس‌هایی که از آن محروم هستیم و باید در سینما شکل بگیرد، اقتباس از فیلم‌های دیگر است. خوب است که بتوانیم از فیلم‌های خودمان و آثار گذشته که موفق هم بودند اقتباس کنیم و آنها را با یک ریتم و کیفیت جدید تصویری کنیم. فکر می‌کنم در اقتباس راه زیادی در پیش داریم، به‌خصوص در «بدون قرار قبلی» می‌توانم بگویم تنها ایده‌ای را از داستان مصطفی مستور گرفتیم، چراکه هم داستان و هم قلم او را خیلی دوست دارم. انسان دوست‌داشتنی است و عمیق و حساب‌شده می‌نویسد. تفاوت نگاهش را همیشه دوست داشتم و برای همین شاید اگر این گنجایش و توانایی وجود داشت تا از یک داستان او کامل اقتباس کنیم، حتما باید فیلم به شکل دیگری ساخته می‌شد. ما تنها ایده‌ای را از داستان مصطفی مستور گرفتیم و سعی کردیم این ایده را به فیلم‌نامه تبدیل کنیم یا در فیلم‌نامه خودمان جای دهیم. ولی درمورد اینکه نیاز است اقتباس در سینمای ما رایج شود، من از طرفداران این جریان هستم.

♦ **به اقتباس از فیلم‌های سینمایی اشاره کردید. فیلمی بوده که دوست داشته باشید از آن اقتباس کنید؟**

فیلم‌های زیادی در ذهنم هست که همیشه دوست دارم دوباره بازسازی شود، ولی به طور خاص، قصه «سه قاپ» و زکریا هاشمی را که خودش یک بار ساخت، خیلی

فرهنگی پرداخت با عنوان غلط‌نویسیم؛ فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی. هدف از تألیف این فرهنگ گران‌قدر، علاوه بر آوردن انواع و اقسام گره‌برداری‌های غلط و غلط‌های مشهور، نشان‌دادن امکانات وسیع زبان فارسی، با تکیه بر متون نظم و نثر قدیم بود و مؤکدکردن این نکته که رایج‌کنندگان این گره‌برداری‌های غلط از این امکانات غافل‌اند. و اما تألیف بعدی ایشان، فرهنگ فارسی عامیانه، حاصل سال‌ها تحقیق آمیخته با جان‌فشانی، نشان‌دهنده گوشه‌ای از گستره امکانات بی‌کران زبان فارسی بود.
ماحصل کلام اینکه آشنایی استاد با روح زبان فارسی سبب شده بود که تعبیرات و ترکیبات پیشینیان سخن‌ساز را جذب حوزه واژگانی خود سازد، به وقت ضرورت در آنها دخل و تصرف کند، یا به قیاس از آنها خود به ساختن واژه و تعبیر و ترکیب دست بزند. بهره‌برداری شایسته و بارور ابوالحسن نجفی از ادبیات غنی و واژگان وسیع زبان فارسی در خانواده تیبو، نشانه قدرت و هنر مترجم است. اینکه نتواند تعبیر و ترکیبات برگرفته از متون قدیم را خارج از اافت چنان به کار گیرد که جلوه و تشخص تازه‌ای به خود بگیرند.»

دوست دارم و مایلم آن را بازسازی کنم.

♦ **«بدون قرار قبلی» شخصیت‌محور است و طبیعی است که در چنین فیلمی انتخاب بازیگران نقش مهمی در باورپذیرشدن فیلم ایفا می‌کند. در این‌مدت تقد‌هایی هم متوجه برخی بازیگران فیلم بوده است. طبیعی است که برخی از آنها انتخاب نخست شما نبوده‌اند. هرچند باید به این نکته هم اشاره کرد که معمولا بازی‌ها در فیلم‌ها شما چشمگیر است. شاید به دلیل شناخت و وسواسی که نسبت به بازی بازیگران دارید. درباره «بدون قرار قبلی» تا چه حد انتخاب‌های نهایی شما در تغییر برخی موارد فیلم‌نامه یا در نهایت ساخت فیلم تأثیرگذار بود؟**

واقعیت این است که براساس انتخاب بازیگران در فیلم‌نامه تغییری اتفاق نیفتاد؛ اما حتما به این قائل بودیم که بازیگرانی این نقش‌ها را بازی کنند که چنین نقش‌هایی را بازی نکرده‌اند و ما تصویر جدیدی از این بازیگران ببینیم. به نظر به لحاظ توانایی بازیگران در سینما مشکل نداریم. توانایی بازیگران ما در زمینه بازیگری خوب است. فقط درست‌استفاده‌نکردن از آنها باعث شده تا حدی بازیگرانی در برخی نقش‌ها کلیشه شوند. صحتی که درمورد علاقه من به بازیگری داشدینگ کاملا درست است. این بخش از علایق اصلی من است و اساسا کار با بازیگر و ارتباط‌گرفتن یا او را دوست دارم. وقتی ساخت فیلمی را شروع می‌کنم، حتما از ابتدا به بازیگر فکر می‌کنم. نیاز دارم وقت خوبی را در هنگام پیش‌تولید و تولید صرفه برای بازیگران بگذارم؛ چراکه آنها شخصیت‌های داستانی هستند که تلاش می‌کنیم ساخته شود و با مخاطب درست ارتباط بگیرد. من خوش شانس هستم که همیشه با بازیگران خوبی کار کرده‌ام. پگاه آهنگرانی بازیگر خیلی خوبی است. درحالی‌که جوان است، تجربه زیادی دارد. هر کارگردانی که با الهام‌گردد کار کرده، می‌داند که او بازیگر توانمند، باسواد و باهوشی است. همین‌طور وقتی نقشی را که در فیلم‌نامه کمتر به چشم می‌خورد، به صابر او پیشنهاد می‌دهیم، می‌پذیرد که چنین نقشی را بازی کند. این از خوش‌شانسی‌های من در کار است. همین‌طور بازی خوب مصطفی زمانی که بسیار دیده شد. همه بازیگران خوبی هستند و معتقدم باید در هنگام ساخت زمان کافی و کاملی را به بخش بازی‌ها اختصاص داد. خیلی با اینکه بازیگران در روند فیلم‌برداری نقش‌شان را بشناسند، موافق نیستم. معتقدم روند داستان و شکل قصه زمانی درست‌است و ساختمانش شکل می‌گیرد که بتوانیم بازی‌ها و شخصیت‌ها درستی داشته باشیم. مجموعه‌ای از مواردی که عرض کردم و شاید نکته‌ای که شما اشاره کردید، علاقه من به بازیگری که یکی از دغدغه‌هایم است، باعث شده به بازی‌های فیلم‌هایم بیشتر دقت کنم.

♦ **بعنوان پرسش پایانی، در روزهایی که سینما شرایط خوبی را سپری نمی‌کند و عملا در دوران رکود به سرسر می‌برد، نگاه شما به ادامه حیات سینما چیست؟ فکر می‌کنید تا چه حد می‌توان به آینده آن خوش‌بین بود و سینما برای جذب بیشتر مخاطبش به چه فیلم‌هایی نیاز دارد؟**

سینما به دلیل ارتباط مداوم با مخاطبی که بخش‌های مختلف نمایشی‌اش را دسترس دارد و تنها به صنعت سینمای ایران محدود نمی‌شود، نیاز است که خودش را بروز کند و در این ارتباط مداوم زنده بماند. این اتفاقی است که باید از سوی سینماگران رقم بخورد. نکته دیگری که باید از سوی متولیان سینما انجام شود، این است که باید از سینما مراقبت کنند. فکر می‌کنم ترکیب این دو بخش باعث می‌شود این هنر همچنان خودش را حفظ کند و معتقدم همین‌طور که سینما بالغ بر صد سال در کشور ما حیات داشته و همچنان خواهد داشت، اما نیاز است تا برای ادامه حیاتش کارهایی انجام شود. به نظر بهترین روش برای پیوند سینما با مخاطب، تنوع در سینماست. متأسفانه در همه این سال‌ها ثابت شده وقتی در یک جنس فیلم با مخاطب ارتباط بهتری می‌گیریم، تمام تلاش و انرژی ما معطوف به همان جنس سینما می‌شود. وقتی مخاطب با سلیقه‌های مختلف نمی‌تواند از سینمای خودمان نتیجه بگیرد، به دین فیلم‌های خارجی یا پلتفرم‌ها و سریال‌های غیرسینمایی و حتی غیرایرانی عادت می‌کند.

همکاری تعدادی از تاریخ‌نگاران کردستان ایران، خدا را شکر به مقطع جدیدی از تاریخ‌نگاری کردستان نزدیک می‌شویم. این روزنامه‌نگار باتجربه و پژوهشگر تاریخ معاصر گفت: در طول این سال‌ها به صورت مداوم، از پشتیبانی و راهنمایی‌های جناب آقای «مسعود بارزانی» بهره گرفته‌ایم و پروژه «جنبش بارزان» را به عنوان انقلاب فرهنگی توصیف کرده‌اند.

کتاب «بر تارک طوفان»، ملا (مصطفی بارزانی)» به روایت مطبوعات ایران

وی افزود: نخستین جلد از مجموعه شش‌جلدی «جنبش بارزان»، کتاب «بر تارک طوفان» ملا «مصطفی بارزانی» به روایت مطبوعات ایران بود که در ۸۶۶ صفحه در سال ۲۰۱۵ با حضور شخصیت‌های علمی، سیاسی و فرهنگی کردستان و ایران و همچنین روزنامه‌نگاران رونمایی شد و در ۱۰۱۷ کاندیدای کتاب سال ایران بود و در سال ۲۰۱۸ در شهر سنجند به عنوان «کتاب سال کردستان» انتخاب شد. اکثر اسناد تاریخی درباره کرد و کردستان در مراکز اسناد و کتابخانه‌های خارجی نگهداری می‌شوند؛ بیشتر از هر زمان دیگری در حال حاضر به یک رنسانس همه‌جانبه تاریخی نیاز داریم تا همه اسناد درباره مردم کرد را جمع‌آوری و در مرکز آرشیو اسناد کردستان آنها را نگهداری کنیم تا به‌صورت علمی درباره آنها تحقیق و پژوهش تاریخی صورت گیرد.

میراث گران‌بهای قدیمی و ارزشمند گذشته را به نسل جدید انتقال دهید

در بخش دیگری از این برنامه، پتل تخصصی درمورد مجموعه شش‌جلدی «جنبش بارزان» به قلم «بهرام ولدبیک» با حضور دکتر «صادق زیباکلام» استاد دانشگاه تهران، دکتر «فرهاد شاکلی» نویسنده و استاد دانشگاه از کشور سوئد، دکتر «علی تَه‌تَه‌ر» استاد دانشگاه صلاح‌الدین اربیل و دکتر «مهند علی الجبوری» استاد دانشگاه موصل برگزار شد که دکتر «صادق زیباکلام» به‌عنوان نخستین سخنران این نشست گفت: به نظر بزرگ‌ترین وظیفه «مسعود بارزانی» و «نجیحیروان بارزانی» به‌عنوان مسئولان بالای اقلیم کردستان این است که میراث گران‌بهای قدیمی و ارزشمند گذشته خود را به نسل جدید انتقال بدهند. هرآنچه در شهرهای اربیل، سلیمانیه و دهوک در اقلیم کردستان به دست آمده است، چقدر مهم و باارزش است و نتیجه ۱۵۰ سال مبارزه سخت پدران و پدربزرگ‌هایتان از جمله شیخ «عبدالسلام بارزان»، شیخ «احمد بارزان» و ملا «مصطفی بارزانی» بوده است. سؤال اساسی این است که بر این ۱۵۰ سال، چه چیز دیگری را می‌توان اضافه کرد.

